

بِسْمِ اللَّهِ

لحظه‌ی اوج

چگونه قدرتمند ساختن زنان، جهان را
دگرگون می‌کند.

ملیندا گیتس

مترجم: مهسا چشم‌به‌راه



انتشارات نیک لوجام

گیتس، ملیندا، ۱۹۶۴-م. 1964, Melinda, Gates-
لحظه‌ی اوج : چگونه قدرتمند ساختن زنان جهان را دگرگون می‌کند/ملیندا گیتس : مترجم
مهسا چشم‌به‌راه.

تهران: نیک فرجام، ۱۴۰۰.

۲۰۸ص.

978-622-258-143-5

فیفا

The moment of lift : how empowering women changes the world, 2019.
عنوان اصلی:

چگونه قدرتمند ساختن زنان جهان را دگرگون می‌کند.

Feminism فمینیسم

Women -- Social conditions زنان -- وضع اجتماعی

Women -- Economic conditions زنان -- وضع اقتصادی

Equality برابری

چشم‌به‌راه، مهسا، ۱۳۷۵- مترجم

HQ1155

۳۰۵/۴۲

۷۶۴۳۶۸۸

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی

www.ketab.ir



انتشارات نیک فرجام

◆ لحظه‌ی اوج

◆ نوشته‌ی ملیندا گیتس

◆ ترجمه‌ی مهسا چشم‌به‌راه

◆ ناشر نیک فرجام

◆ نوبت چاپ اول ۱۴۰۰

◆ تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

◆ حروفنگاری آبان گرافیک

◆ شابک ۵ - ۱۴۳ - ۲۵۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

◆ قیمت ۹۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان

دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۴۹۵۸۸۷

۶۶۹۷۲۸۱۷

۶۶۹۵۲۳۱۵

فهرست

۷	 مقدمه
۱۱	 فصل یک: صعود یک ایده‌ی عالی
۳۰	 فصل دو: قدرت بخشیدن به مادران: سلامت مادر و نوزاد
۴۹	 فصل سه: همه‌ی چیزهای خوب: تنظیم خانواده
۷۶	 فصل چهار: غلبه بر حجالت: دختران در مدرسه
۹۶	 فصل پنج: نابرابری خاموش: کار بدون دستمزد
۱۲۳	 فصل شش: وقتی دختری هیچ صدایی ندارد: ازدواج کودکان
۱۴۲	 فصل هفت: دیدن تبعیض جنسیتی: زنان در کشاورزی
۱۶۱	 فصل هشت: ساختن یک فرهنگ جدید: زنان در محل کار
۱۹۱	 فصل نه: بگذار قلبت بشکند: صعود ناشی از جمع شدن
۲۰۱	 سخن پایانی
۲۰۶	 راهنمای منابع سازمانی که خوانندگان می‌توانند از آن‌ها پشتیبانی کنند

مقدمه

زمانی که بچه بودم، پرتاب موشک اهمیت بسیار زیادی در زندگی‌ام داشت. من در دالاس تگزاس، در خانواده‌ای با چهار فرزند بزرگ شدم، مادرم خانه‌دار و پدرم، مهندس هوافضا بود و روی برنامه آپولو کار می‌کرد.

روز پرتاب موشک، همگی سوار اتومبیل شدیم و به منزل یکی از دوستان پدرم (که او هم مهندس آپولو بود) رفتیم و باهم آن صحنه را تماشا کردیم. هنوز هم می‌توانم، هیجان آن شمارش معکوس را در عمق وجودم حس کنم. «بیست ثانیه و شمارش، پانزده ثانیه، راهنمای داخلی، دوازده، یازده، ده، نه، شروع توالی آتش، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک، صفر. تمام موتورها فعال. پرتاب موشک! موشک پرتاب شد!»

همیشه آن لحظات، مرا به هیجان می‌آوردند، خصوصاً آن لحظه‌ای از پرتاب که موتورها روشن می‌شوند، زمین به لرزه می‌افتد و موشک شروع به بلند شدن از روی زمین می‌کند. به‌تازگی در کتاب مارک نیو، یکی از نویسندگان معنوی محبوبم، به عبارت «لحظه‌ی برخواستن» برخوردم. او از این عبارت، برای لحظه‌ی بخشایش، استفاده می‌کند. او می‌نویسد: «چیزی شبیه بلند شدن روسری در باد» و اندوهش تسکین یافت و حس کرد که دردش التیام پیدا کرده است.

تصویر مارک از برخواستن، مملو از شگفتی است. و شگفتی برای من، دو معنی دارد. یک معنی حیرت و دیگری ممکن است، کنجکاوی باشد. بسیار حیرت‌زده‌ام و به همان اندازه کنجکاو. می‌خواهم بدانم، برخواستن چگونه رخ می‌دهد!

همه‌ی ما یک یا چند بار سوار هواپیما شده‌ایم و در پایان تیک‌آف طولانی، مشتاقانه منتظر لحظه‌ی بلند شدن هواپیما از زمین بوده‌ایم. وقتی که بچه‌ها کوچک بودند و سوار بر هواپیما، آماده‌ی تیک‌آف بودیم، به آن‌ها می‌گفتم «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و لحظه‌ای که

هواپیما از زمین بلند می‌شد، می‌گفتم «بال‌ها». وقتی بچه‌ها کمی بزرگ‌تر شدند، آن‌ها نیز به من ملحق می‌شدند و سال‌ها همه باهم، این‌ها را می‌گفتیم. باین حال، اغلب، بیش‌ازحد انتظارمان می‌گفتیم «چرخ‌ها، چرخ‌ها، چرخ‌ها» و با خودم فکر می‌کردم، چرا بلند شدن از زمین این‌قدر طولانی است؟

چرا، گاهی این‌قدر طول می‌کشد؟ و چرا، گاهی خیلی سریع اتفاق می‌افتد؟ چه چیزی ما را از نقطه‌ی اوج می‌گذراند، هنگامی‌که نیروی بالابرنده بر نیروی جاذبه‌ی زمین غلبه می‌کند، ما از زمین بلند می‌شویم و شروع به پرواز می‌کنیم؟

طی بیست سال اخیر، برای انجام کارهای بنیاد خیریه‌ای که با همسرم بیل تأسیس کردیم، به دور دنیا سفر و همیشه با خودم فکر کرده‌ام؛ چطور می‌توانیم یک‌لحظه‌ی اوج، برای انسان‌ها و خصوصاً برای زنان به وجود آوریم؟ چراکه وقتی باعث رشد زنان می‌شوید، انسانیت را ارتقا داده‌اید.

من در سفرهایم، صدها میلیون از زنانی را دیدم که می‌خواهند، خودشان برای داشتن یا نداشتن فرزند و زمان مه‌دار شدن تصمیم بگیرند، اما نمی‌توانند. آن‌ها هیچ دسترسی به ابزار جلوگیری ندارند. حقوق و مزایای بسیاری وجود دارد که زنان و دختران از آن محروم اند؛ حق تصمیم‌گیری برای این‌که آیا ملیل به ازدواج هستند یا خیر، و یا چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند. حق رفتن به مدرسه. داشتن درآمد. کارکرد بیرون از منزل. بیرون رفتن از خانه. خرج کردن پول خودشان. تصمیم‌گیری در دخل و خرج‌شان. شروع کسب‌وکار. وام گرفتن. خانه داشتن. طلاق گرفتن. دکتر رفتن. مدیریت یک دفتر. دوچرخه‌سواری. رانندگی. رفتن به دانشگاه. یادگرفتن کار با رایانه. پیدا کردن سرمایه‌گذار. در بخش‌هایی از جهان، تمامی این حقوق از زنان گرفته‌شده است. گاهی قانون این حقوق را از زنان سلب می‌کند، اما حتی هنگامی‌که قانون این اجازه را می‌دهد، اغلب تبعیض‌های فرهنگی علیه زنان، جلوی دسترسی آن‌ها به این حقوق را می‌گیرد.

کار من به‌عنوان مدافع عمومی تنظیم خانواده، شروع شد. سپس سخنرانی درباره‌ی موضوعات دیگر را هم، آغاز کردم. اما سریعاً متوجه شدم (چون به‌سرعت به من گفته شد) که سخنرانی در مورد تنظیم خانواده یا حتی هر یک از مواردی که نام بردم، کافی نیست. باید برای زنان، سخنرانی می‌کردم. خیلی زود دریافتم که اگر می‌خواهیم، جایگاه برابری با مردان داشته باشیم، این کار با تک‌به‌تک یا قدم‌به‌قدم به دست آوردن حقوقمان، اتفاق نمی‌افتد. هنگامی‌که قدرتمند شدیم، آن‌وقت می‌توانیم، حقوقمان را به‌صورت موجی به دست آوریم.